

عنوان مقاله: پیمایشی درباره کژکارکردهای پنهان مشتری گرایی
در نهادهای آموزشی

نویسندهان: آرین قلی پور، علی اصغر پورعزت

منبع: دانشگاه اسلامی ۳۸، سال دوازدهم، شماره ۲ تابستان ۱۳۸۷

dysfunction

چکیده

• مشتریگرایی به مثابه یک رویکرد جدید، از دنیای تجارت به کلیه نهادهای اجتماعی رسونخ کرده و نهادهای آموزشی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. برخلاف تفکر متداول و غالب دنیای معاصر که علم را آزاد از ارزش میداند، این مقاله بر امکان ارزش‌سنجی و ارزش‌آفرینی علم و نهادهای آموزشی تأکید داشته، بر اهمیت این کارکردهای پنهان اصرار میورزد. در این مقاله از روش پیمایش استفاده شده و **۲۶۳ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی** به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. یافته‌های حاصل از **تحلیل معادلات ساختاری** حاکی از آنند که تأثیرپذیری ارزش‌های دانشگاهی و آکادمیک از رویکرد مشتریگرایی، حداقل پنج نوع آفت را برای نهادهای آموزشی به بار آورده است که موجب تحریف اهداف اصیل آنها میشوند

• نهادهای آموزشی از جمله نهادهای اجتماعی مهم محسوب می‌شوند که کارکردها و کژکارکردهای آنها سرنوشت جوامع انسانی را به شدت تحت تأثیر قرار میدهد. تحلیل انتقادی کارکردهای نهادهای آموزشی، ناگزیر فضای بحث را به تفکر مکتب انتقادی نزدیک می‌کند. یادآوری می‌شود که «**تفکر مکتب انتقادی**»، گاهی تlux، تنده، نیشدار و گزنده به نظر میرسد؛ با این حال، عقیده پژوهشگران بر آن است که این بازخورد صریح، مقدمه درمان درد این نهاد و مبتلایان به عوارض آن است. از این رو، امید دارند که تأمل بر این مقاله، به سلامت و بهبود نهادهای آموزشی کمک کند

•

تفکر مکتب انتقادی

• در اغلب کشورها و در فرهنگهای گوناگون، دانشگاه مهد اصلاحات تمدنی تلقی میشود؛ به قول رهبر فقید انقلاب: «قضیه دانشگاه از اهم امور است... چون دانشگاه مرکز همه چیز است، حتی تشکیل دولت... امیدوارم دانشگاهی داشته باشیم که به درد ملت بخورد»(امام خمینی)ره(، بیتا، ج، ۱۲، ص ۴۵۸) و نیز: «دانشگاه یک کشوری اگر اصلاح بشود، آن کشور اصلاح میشود»(همان، ج، ۱۵، صص ۱۳۱-۴۳۰) و اینکه: «دانشگاه مبدء همه تحولات است»(ر.ک.به: احمدی فشارکی، ۱۳۸۵، ص ۴۲۹)، کار کردها و کثر کار کردهای این نهاد، تأثیری فو قالعاده حساس بر سرنوشت جامعه دارد

«قضیه دانشگاه از اهم امور است... چون دانشگاه مرکز همه چیز است، حتی تشکیل دولت... امیدوارم دانشگاهی داشته باشیم که به درد ملت بخورد»(امام خمینی)ره(، بیتا، ج، ۱۲، ص ۴۵۸ و نیز: «دانشگاه یک کشوری اگر اصلاح بشود، آن کشور اصلاح میشود»)همان، ج، ۱۵، صص ۴۲۹-۴۳۰ و اینکه: «دانشگاه مبدع همه تحولات است»(ر.ک.به: احمدی فشارکی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱).

- همه ساختارهای اجتماعی به مثابه خرده سیستم‌های جامعه، کارکردهایی آشکار دارند. در اینجا منظور از کارکرد، همه بروندادهای رفتاری یک سیستم ساختاریافته است. بنابر این، هر یک از این ساختارها، کارکردها و کژکارکردهایی پنهان و ناخواسته نیز به دنبال دارند.^{Merton, 1936, p.895} گونه‌های آموزشی نیز همین گونه‌هاند!

- کارکرد آشکار این نهادها عبارتند از: افزایش سطح آگاهی افراد جامعه، کمک به اجتماعی شدن افراد، ایجاد تحول در جامعه از طریق انجام تحقیقات بنیادی و کاربردی، آمادهسازی افراد برای ایفای نقشها و تصدی مشاغل متفاوت در جامعه و انتقال میراثهای فرهنگی و علمی. البته باید مراقب بود که صرفاً باید به مدرک‌گرایی و خواسته‌های نامعقول مشتری بینجامد

انجام تحقیقات بنیادی و کاربردی،
آماده سازی افراد برای ایفای نقشها
و تصدی مشاغل متفاوت در جامعه
و انتقال میراثهای فرهنگی و علمی

• بدیهی است که ساختار نهادهای آموزشی در طول زمان تغییر یافته است؛ زمانی شیوه آموزش فرد به فرد یا استاد - شاگردی مرسوم بود که امروزه جای خود را به شیوه آموزش رسمی و آکادمیک و حتی آموزش از راه دور داده و در آینده ممکن است در سایه تغییرات تکنولوژیک، شکل دیگری نیز به خود بگیرد.)ر.ک. به: قلیپور،، ۱۳۸۰، و همو، ۱۳۸۴، ص ۲۷ (۱

•

شیوه آموزش
فرد به فرد یا استاد - شاگردی

- در کنار کارکردهای آشکار، یکی از کارکردهای پنهان دانشگاهها و مدارس، ارزشآفرینی و هدایت جامعه از طریق این ارزشهاست. بدیهی است که این کارکردهای آشکار و پنهان، متعامل بوده و بر همدمیگر تأثیر متقابل میگذارند و در زمرة هر دو، ممکن است کثرکارکردهایی نیز بروز کنند. بنابر این، کثرکارکردهای احتمالی نهادهای آموزشی از مهمترین دغدغههای برخی از اندیشمندان بوده است.

• «همواره این خطر وجود دارد که آموزش نظری و عملی به معنی آموزش تجاری و بازرگانی تلقی شود؛ یعنی آموزش وسیله‌ای برای دستیابی به مهارت فنی برآوردن نیازهای آینده افراد تلقی شود. اگر چنین وضعیتی پیش آید، آموزش و پرورش به جای آنکه زمینه تحول و دگرگونی جامعه را فراهم کند، ابزاری برای نگهداری آن به همانگونه که هست، میشود. در حالی که، جامعه باید چنان باشد که در آن هر کس به کاری پردازد که در بهتر شدن زندگانی دیگران نقشی داشته باشد» (Dewey).

دستیابی به مهارت فنی برای
برآوردن نیازهای آینده

• شأن آموزش و پرورش بسیار مهمتر از آن چیزی است که معمولاً ادراک میشود. «آموختن دانستنیها و مهارت‌ها در برترین حد تخصص، هنوز تربیت نیست. این کار به تحول انسان به گونه‌ای که بتواند به روش علمی بیندیشد، منجر نمیشود و پرورش عقل و خرد هم نیست.»)

•

روش علمی

- دانشگاهها یکی از نمادهای هویت ملی تلقی می‌شوند و پرچم ملت‌ها را در کشورهای دیگر با افتخار به اهتزاز در می‌آورند). (Readings, 1996, p.24) این موجودیت‌های هویتزا، از طریق رسالت‌های آموزشی خود، تأثیر زیادی بر ارزش‌های جامعه داشته، نقش خاصی در هدایت ارزش‌هایی چون: راستی، اعتماد، تقوا و اخلاق حرفه‌ای بر جا می‌گذارند؛

راسى، اعتماد، تقوا و اخلاق



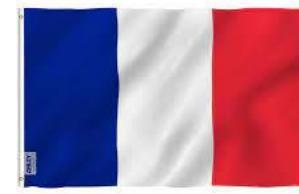
• بنابر این، یک دانشگاه کامل، علاوه بر واقعیتهای تجربی و ملزومات حرفه‌ای، باید بتواند ارزش‌هایی چون تقوا و درستکاری را علاوه بر درون دانشگاه، به درون جامعه نیز تسری دهد و زنده نگهدارد. از این رو، معلمان و اساتید دانشگاهها باید علاوه بر راهنمایی فکری، الگوهای معنوی جامعه نیز باشند)«

راهنمایی فکری، الگوهای معنوی

• در حالی که این نهاد خود به شدت تحت تأثیر نهاد بازار است؛ به طوری که تسلط و اهمیت یافتن بازار و مشتری، حتی نقش حکومتها را در سیاستگذاری آموزش و پرورش تحت تأثیر قرار داده است. نیروهای بازار، ارزش‌های دانشگاهی را هدف گرفته‌اند. ظاهراً دانشگاه یک نهاد آموزشی با درجات تعریف شده علمی است. از زمان ایجاد نخستین دانشگاهها به شکل مدرن، مانند دانشگاه الازهر در سال ۹۷۰ میلادی در مصر و آکسفورد و کمبریج در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی در

• اریس، همواره دانشگاه نقشی فراتر از ایجاد و انتقال دانش داشته است. حتّی تأسیس : بارسلونا در ، ۱۴۵۰، هاروارد در ، ۱۶۳۶، تورنتو در ، ۱۷۵۴، مسکو در ، ۱۷۵۵، سیدنی در ، ۱۷۵۰، مدانشگاههای بعدی همچون لبورن در ، ۱۸۵۳، توکیو در ۱۸۷۷ و پکن در ۱۸۹۸ نیز با ایفای نقشهایی فراتر از توسعهٔ صرف علوم تجربی همراه بوده است

• البته فلسفه حاکم بر دانشگاهها در جاهای گوناگون متفاوت است. در کشور **فرانسه**، هدف سیستم آموزشی، ایجاد و تقویت هویت ملی و مدرنیزاسیون جامعه بر مبنای شایستگی بود. کشورهای **اسپانیا**، **ایتالیا** و به تبع آنها **آرژانتین** و بعضی کشورهای آفریقایی نیز از این الگو تبعیت میکردند. پس از قرن نوزدهم در **آلمان**، دیدگاه هامبلت امنی بر تحقیق آزاد از خواسته‌ها و فرمایشهای دولت (بدون دخالت حکومت) به وسیله اعضای ارشد دانشگاهها پذیرفته و به سار کرد دانشگاهها اضافه شد.



- در انگلیس نیز پرورش نخبگان برای مشاغل، حرفه‌ها، دولت و امپراتوری، به مثابه نقش اصلی نهادهای آموزشی مد نظر قرار می‌گرفت. اکثر مستعمرات آن، همچون: استرالیا، کانادا، نیوزلند و هند نیز از این الگو تبعیت می‌کردند. رویکرد اتحاد جماهیر شوروی به نهادهای آموزشی نیز همچون رویکرد آن به بقیه نهادها، در خدمت دولت و اقتصاد دستوری بود. (Bostock)

پرورش نخبگان

• اما آنچه امروز همه دانشگاهها را تحت تأثیر قرار داده، مدل بازارگرای آمریکایی است. تأکید این مدل بر «دانش سودمند» است. علم و هنر کاربردی، نتیجه این رویکرد به دانشگاهها و آموزش بوده و شاهبیت این مدل، **ارتباط تنگاتنگ آن با تجارت** است. در امتداد این رویکرد است که این گفته تاچر در دانشگاهها پذیرش بیشتری میابد: «هیچ کس نباید با بازار مخالفت کند»⁸⁾ Ibid, p.8)

• کی از پیامدهای سیطره مدل بازارگرا در دانشگاهها، تردید در مورد نقش رهبری معنوی و فکری نهادهای آموزشی است). Dressel, 1981, p.21.

قدمت این مدل در حدود ۱۰۰ سال است، ولی روند جهانیسازی و سوءاستفاده از تکنولوژی اطلاعات، آن را در سرتاسر جهان قابل پذیرش ساخته است. خصوصیسازی نهادهای آموزشی که در خیلی از کشورها همچون کشور ما غیرقابل پذیرش بود، در حال حاضر به هنجاری بین المللی تبدیل شده است.



• امروزه مدارس و دانشگاهها مثل یک شرکت تجاری تلقی می‌شوند که باید سودآور باشند و معلمان و اساتید دانشگاهها شبیه تاجری هستند که باید سود بیشتری را هدف قرار دهند. دانشگاهها در رقابتند تا سهم بازار خود را افزایش دهند و حتی ممکن است به زودی شاهد ورود سهام دانشگاهها در بورس اوراق بهادار باشیم؛ زیرا این باور نهادینه شده است که «موفقترین بنگاههای اقتصادی در جهان آینده، آنها یعنی خواهند بود که دانش را تولید و توزیع کنند و از آن به شکل تجاری، بهره‌برداری استثماری کنند

بورس اوراق بهادار

• بدون شک، نابود شدن علوم پایه در مقیاس جهانی، یکی از کژ کار کردهای مدل بازارگر است که توسط بسیاری از اندیشمندان هشدار داده شده است (Wilshire, 1990, p.112). بسیاری از دپارتمانهای کلاسیک، مانند علوم محض ریاضی، فیزیک و شیمی، در دانشگاهها در حال زوالند؛ زیرا تفکر حاکم این است که دانشگاه مخصوصاً محتواهای را باید تولید کند که قابل مصرف باشند. وقتی محصولی که دانشگاه تولید میکند مشتری نداشته باشد، به طور منطقی آن محصول باید تولید بشود. ضمن اینکه تعیین شدن اولویتها و استانداردهای دانشگاه در صنعت و دولت، برخی از دانشگاهها را به شأن مداعی دولت و صنعت کشانده است

•

مداعی دولت و صنعت

• مصرفگرایی «، بزرگترین آفت تهدیدکننده این دانشگاههاست (Osmond, 1997, p.32). بدین سان است که دانشگاه استقلال خود را از دست میدهد و علمای حقیقی گوشه‌نشین میشوند و علم حقیقی در سینه حاملان خود میمیرد. ر.ک.به: نهجالبلاغه، حکمت (۱۳

•



• روحی که امروزه بر نهادهای پنجگانه اجتماعی (خانواده، آموزش، حکومت، بازار و مذهب) حکم‌فرما شده، روح مشتریگرایی است. «اسطوره- واژگان» نهادینه شده در بازار، همچون: «مشتری پادشاه است»، «پای خود را جای پای مشتری بگذارید»، «حق همیشه با مشتری است»، «بقای ما در گرو بقای مشتری است» و «مشتری اصل است»، به کلیه نهادهای دیگر سرایت کرده و گویا تبدیل به فلسفه زندگی شده است. پیامدهای این فلسفه در قلمرو دانشگاهها و مدارس، هم تلخ و هم شیرین است؛ زیرا از طرفی با ایجاد رضایت در مشتریان، خدمات ارزندهای را فراهم می‌سازد و از طرف دیگر، هزینه‌های اجتماعی جبرانناپذیری را به جامعه تحمیل می‌کند

فلسفه زندگی

عبارات ذیل، متغیر مشتری گرایی را می سنجند:

- علمی که سودمند نباشد بهتر است از بین برود.
- نیازهای مشتری باید تعیین کننده مطالب دانشگاهی باشند.
- بقای دانشگاههای کشور به انتخاب مشتری بستگی دارد.
- مشتری مداری باید در رسالت و منشور اخلاقی دانشگاه گنجانده شود
- دانشجویان به منزله یکی از مشتریان دانشگاه محسوب میشوند.
- محصولات دانشگاه باید قابل مصرف برای مشتری باشند.
- دانشگاه برای کسی که مشتری نیست، وظیفهای احساس نمیکند.
- در دانشگاههای کشور حق با «مشتریان مهمتر». است

متغیر مشتری گرایی

• ارزش زدایی از دانشگاهها و مدارس، یکی از پیامدهای علم مشتریمدار است. همه ارزشها نسبت به ارزش‌های مطلق «مشتری»، نسبی است و علم به این ارزش‌های مطلق، نوعی استواری مضاعف ولی کاذب می‌بخشد؛ زیرا امروزه علم وضعیتی پیدا کرده که جای خدا، مذهب و اخلاق نیز نشسته است) سروش، ۱۳۶۰، ص. ۱۱(حال علمی که خود چنین قدرتی دارد، در شأن برگی مشتری ثروتمند خود، به ابزاری خطرناک تبدیل می‌شود!



• علم خود قادر است که ارزش بسازد و نیازی به واردات ارزش از وادی غیر علم ندارد. در واقع؛ همه ارزش‌هایی که خاستگاه غیرعلمی دارند باید کنار گذاشته شوند؛ در حالی که ارزش‌های مشتری مداری هر روز بیشتر از دیروز بر علم تحمیل می‌شوند؛ تا حدی که گویا ارزش‌های مطلق آکادمیک دیگر سودمندی ندارند و به دانشجویان و دانشآموزان آموخته نمی‌شوند

ارزش‌های مطلق آکادمیک

عبارات ذیل، متغیر ارزش زدایی را می سنجند:

- ارزش‌های اخلاقی که در بیرون از دانشگاه برای دانشگاه تعیین می‌شوند، برای دانشگاه مضر نند.
- دانشگاه باید ارزش‌هایی صرفاً علمی را برای خود تدوین کند.
- دانش با ارزش، سازگاری ندارد و نباید در دانشگاه وجود داشته باشد

متغیر ارزش زدایی

• یکی دیگر از پیامدهای علم مشتری مدار در حوزه دانشگاهها و مدارس، شیوع نوعی بیندوباری فکری است. بیندوباری فکری عبارت است از: پذیرفتن هر نوع همکاری علمی، از هر کسی (با سازمانی)، در هر روزی، به هر قیمتی و در هر جایی. این موضوع نیز از کثر فهمی در تسری بنای نسبیت انسانی تأثیر پذیرفته و با کرتابی در فهم فلسفه فرانوگرا تقویت شده است؛ دال بر اینکه حتی مفاهیمی چون: اصول، شرافت، سلامت فکری و اصالت، مفاهیمی نسبی هستند. همچنان که فیصل برای جامعه مدرن پیشینی کرده بود، گویا پول مشتری در دانشگاهها و مدارس، شرافت و ارزش‌های معلم و استاد را قیمتگذاری می‌کند

مفاهیمی نسبی



عبارات ذیل، متغیر بی بندوباری فکری را می سنجند:

- هر روز میتوان در هر حوزه مطالعاتی که پیشنهاد میشود وارد شد.
- افراد آکادمیک منعطفند و از ارزش‌های متنوع استقبال می کنند.
- افراد آکادمیک از هوشمندی لازم برای پاسخ به نیازهای متنوع مشتریان برخوردارند

متغیر بی بندوباری فکری

- همچنان که شکل ذیل نشان میدهد، متغیرهای پنهان (مشتریگرایی، ارزشزدایی و بسی بند و باری فکری)، در قالب پنج کثر کار کرد حم الی تکنیک، دوپینگ مشروع، بیگاری و استثمار علمی، مافیای پژوهشی و مداخلی دولت و صنعت، متجلّی میشوند.



• مشتریگرایی به طور مستقیم و غیر مستقیم این متغیرها را تحت تأثیر قرار میدهد. تصور اینکه همیشه حق با مشتری است، استاد را در جایگاه فروشنده دانش قرار میدهد؛ فروشندهای که همواره باید مترصد کسب درآمد از دانشجویان یا از طریق آنان باشد. این روند، موجب مجہز شدن اساتید به تکنیکهای پر خریدار، دوپینگ کردن دانشجویان پولدارتر در کلاسهای کنکور به عنوان مشتریان مهمتر و چاپ تست، استثمار کردن دانشجویان و بهره کشی، ایجاد مافیا و ایجاد موانع برای ورود به بازار کار و حوزه کاری آنها و مذاھی در برابر هر کسی که سود در پی دارد، میشود

۰ بیگاری (تجهیز صرف) تکنیک : اتجهیز نخبگان فکری جامعه به مهارت‌های پیچ و مهرهای،^{۲۶} دستاوردهای بیشماری را موجب شده است که نمیتوان و نباید منکر آن شد؛ ولی به مزایده گذاشتن مهارت‌ها و تکنیکهای تخصصی، این نخبگان را تا حد بیگاران دانش تقلیل منزلت میدهد

•

• در چنین شرایطی، این تلقی به یک ویژگی ممتاز تلقی میشود: من صاحب تکنیکم، پس هستم.

- عبارات ذیل، متغیر بیگاری تکنیک را میسنجند:
 - تسلّط بر فنون تخصصی برای یک دانشگاهی، مهمتر از پایبندی به ارزش‌های انسانی است.
 - آشنایی با مهارت‌ها و تکنیک‌های علمی‌استادان، برای دانشجویان، سودمند‌تر است.
 - وقتی صرفاً تولید مهارت‌ها و فنون در سر لوحهٔ کار دانشگاه قرار میگیرد، میتوان علم جدید تولید کرد

متغیر بیگاری تکنیک

• دوپینگ مشروع : ابه مشروعیت یافتن رقابت با شرایط و اطلاعات نابرابر به نفع مشتریان دارا اشاره دارد. کلاس‌های کنکور در هر سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری (که معمولاً توسط متخصصان و نخبگان دانشگاهی اداره می‌شوند)، نمونه بارز این مسئله‌هایند. البته این پدیده بیشتر در هنگام ورود به دانشگاه مشهود است تا فراگرد توسعه دانشگاهها؛

• ضمن اینکه نمیتوان تبعیض طبیعی افراد در دسترسی به اطلاعات را در فرآگردهای آموزش نفی کرد. ولی در حالی که دوپینگ در رقابت‌های جسمی، یک پدیده کاملاً غیر اخلاقی تلقی می‌شود، در رقابت‌های فکری به سادگی پذیرفته شده است؛ در حالی که این وضعیت موجب انزوای فکری بسیاری از سرمایه‌های علمی و فکری جامعه شده، بسیاری از نوابغ فقیر را از دسترسی به دانشگاهها باز میدارد. از این رو، نمیتوان و نباید آن را در رقابت‌های فکری، به مثابه یک پدیده مشروع و مقبول تلقی کرد

انزوای فکری بسیاری از سرمایه‌های
علمی و فکری

عبارات ذیل، متغیر دوپینگ مشروع را می سنجند:

- اشکالی ندارد صرفاً کسانی که به اطلاعات بیشتری دسترسی دارند، وارد دانشگاه شوند.
- دانشگاه صحنه رقابت با موقعیتهای نابرابر است.
- توزیع اطلاعات به صورت یکسان، نه امکانپذیر است و نه عادلانه

متغیر دوپینگ مشروع

• بیگاری و استثمار علمی «زنگاه سیستم غنایم جنگی» به دانشجویان و درخواست مکرّر استادان از دانشجویان برای تدوین کتاب و مقاله نویسی به جای آنها، دانشجویان را به گلادیاتورهای نویسنده ای تبدیل کرده است که برای خشنودی استادان اسمی (نه واقعی) وارد میادین علمی میشوند. استادان اسمی این نوع «همکاری» یا همسفرگی را حق خود میپندازند؛ در حالی که دانشجویان آن را «همنامی» یا باجگیری یا باجدهی به نام تولید علم، یا دزدی به نام عدالت (Greenberg, 1993, p.82) میدانند



**خشنودی استادان اسمی
(نه واقعی)**

• «امروزه دانشگاه، آزادی و ارزش‌های دانشپژوهان خود را بیش از اندازه استثمار می‌کند». (hoshal, 2005, p.90) این نوع استثمار و تکدیگری مدرن در دانشگاه‌های کشور به حدی متداول شده که حتی شکل سلسله مراتبی پیدا کرده است؛ یعنی دانشجویان دکتری (استثمار شدگان رده اول) نیز به استثمار دانشجویان کارشناسی ارشد و کارشناسی پرداخته، آنها را به بیگاری می‌کشند



عبارات ذیل، متغیر استثمار علمی را می سنجند:

- گرفتن پروژه انواع مهارت‌ها را می‌طلبد که تجهیز به آنها در دانشگاه‌های کشور صورت می‌گیرد.
- یکی از بهترین شاخصها برای ارزیابی توان علمی یک استاد دانشگاه، میزان جذب پروژه توسط وی است.
- هدف تولید علم، یک هدف مقدس است و برای نیل به این هدف، اجبار دانشجویان به مقاله نویسی امری اخلاقی است.
- درخواست مقاله و کتاب از دانشجویان بیشتر به نفع دانشجوست تا استاد

متغیر استثمار علمی

mafiai pژوهشی :

- ۰ اقانونی کردن و ترویج نوشتن مقاله با نام استادان، بدون همکاری و درگیری واقعی آنها، این گفته مانها یم را به ذهن متبار میکند که در پس هر قانونی، نوعی جهانی بینی و تمایل به منافع گروههای خاص نهفته است). Mannheim, 1936, p.360) قانون طوری تدوین میشود که مقاله با نام استادان چاپ شود و پیران مشروع را نسبت به جوانان کارا، به خاطر قدمت بیشتر، به شکل نامتناسبی پاداش میدهد). Rao, 1994, p.30)

• گویا بدھی ناشی از کم سنی) (Singh, etal, 1986, p.172) و دوران جوانی، هزینه بسیار سنگینی است که باید دانشگاهیان جوان پردازند؛ زیرا این دانشمندان جوان توسط ذینفعان کلیدی، هنوز به منزله پدیدهایی بدون مشروعيت تلقی شده، به رسمیت شناخته نمیشوند) (Aldrich and Fiol, 1994, p.647؛ از این رو، گویا در برابر تهدیدهای محیطی آسیب‌ذیرترند). (Meyer, etal, 1987, p.22) این امر موجب شکلگیری مافیایی پژوهشی در گرفتن پژوهشها، چاپ مقالات و انتشار کتب به نفع پیران مشروع شده است؛ کسانی که گاهی جز آوردن نام خود، هیچ آورده دیگری به مجموعه تیم پژوهشگر ارائه نمیدهند

پدیده هایی بدون مشروعيت

عبارات ذیل، متغیر مافیای پژوهشی را می سنجند:

- وقتی اسم استاد مشهوری روی مقاله نباشد، مجلات تمايلی به چاپ آن ندارند.
- برای چاپ کتاب، ناشران تمايل دارند که حداقل يکی از نويسندگان کتاب، فرد مشهوری باشد.
- عقد قرارداد پروژه تحقیقاتی با دانشگاهيان جوان پر مخاطره است.
- نشر مقاله و کتاب برای دانشگاهيان جوان کارا نيز به اندازه دانشگاهيان پير مشروع، امکانپذير است

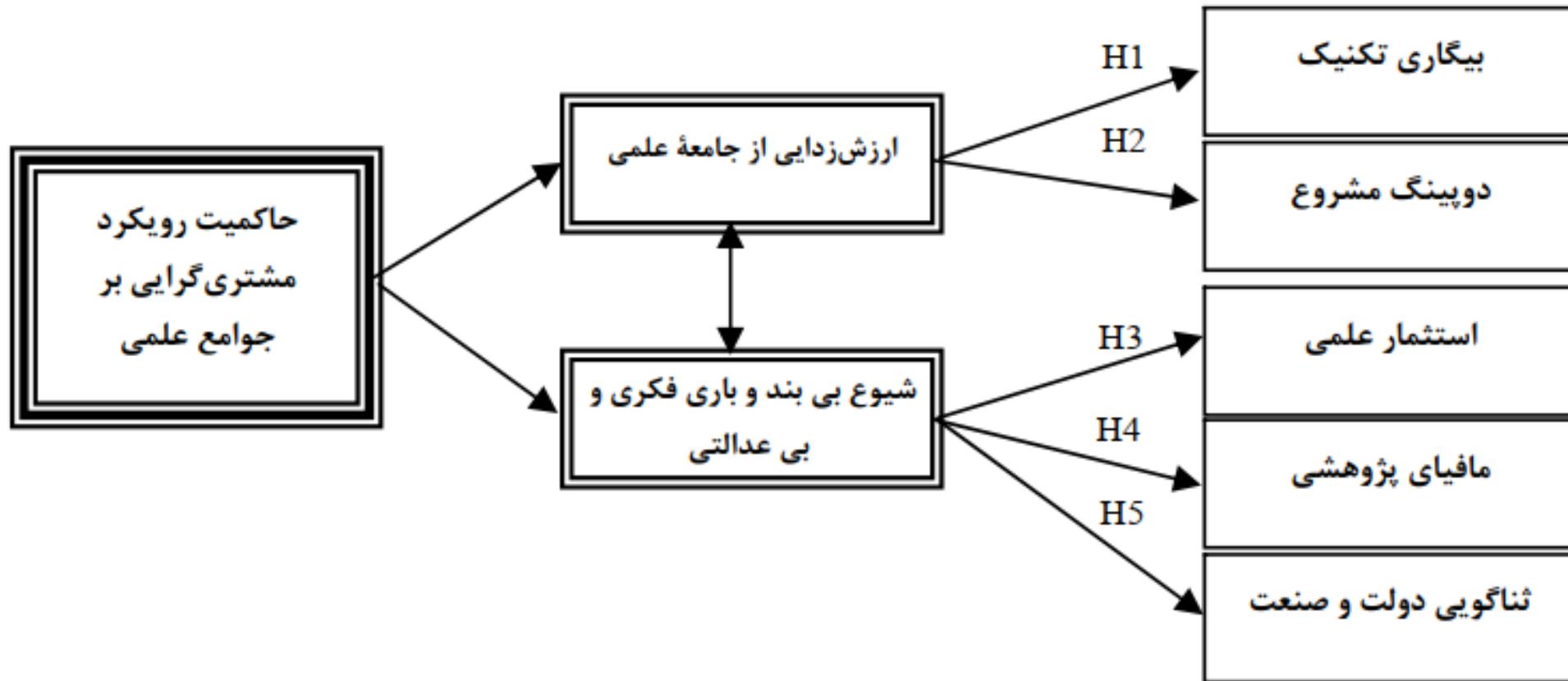
متغیر مافیای پژوهشی

۰ ثناگویی و مداعی دولت و صنعت: یکی از بزرگترین قدرتهای دانشگاه، تأثیر بر ساخت و تعریف واقعیت است. متأسفانه دانشگاههای جهان به خاطر سیطره رویکرد مشتریگرایی، واقعیتها را در جهت تأیید حکومت و بازارها میسازند. نسل جدید علم، علم کاربردی است و نسل جدید عالمان، عالمان قابل مصرفند. اعتبار علمای کاربردی، توسط صنعت و تجارت و حکومت تعیین میشود؛ از این رو، این اعتبار به لحاظ علمی و حتی ارزشی، چندان قابل اعتماد نیست. هر چند همکاری دانشگاه با حکومت و صنعت ممکن است بسیار موّلّد و سازنده باشد، ولی ثناگویی و مداعی دولت و صنعت توسط دانشگاهیان، هر سه نهاد را ذلیل و شرایطی تملقاً میز ایجاد میکند که هیچکدام از این سه، نتوانند از همدیگر بازخوردهای واقعی دریافت کنند

اعتبار به لحاظ علمی و حتی
ارزشی

این متغیر با عبارات ذیل سنجیده شده است:

- وقتی اولویتهای دانشگاه را صنعت تعیین میکند، کل جامعه سود بیشتری میبرد.
 - به صورت طبیعی، دولت باید خط سیر دانشگاه را ترسیم کند نه بر عکس.
 - دانشگاه مغز هدایتکننده دولت و صنعت است.
 - برای ایجاد یکدلی و انسجام در جامعه، سازگاری دانشگاه با اهداف دولت و صنعت سازنده‌تر است.
- بر مبنای آنچه ذکر شد، نمودار شماره ۱ مدل علّی تحقیق را نشان میدهد:



نمودار شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق

فرضیه های تحقیق

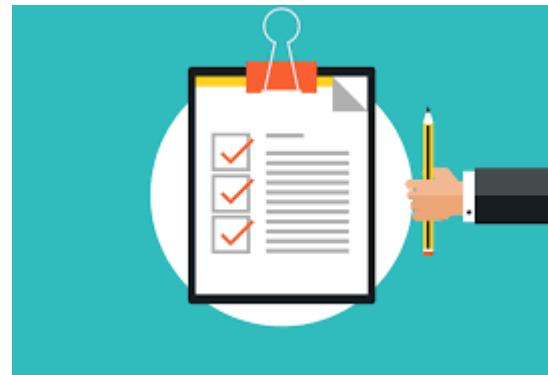
- بنابر این، بر مبنای مطالب پیشگفته، فرضیه های تحقیق به صورت ذیل تدوین میشوند:
 - $H1$: رویکرد مشتریگرایی در نهادهای آموزشی با ارزشزدایی از جامعه علمی، موجب بیگاری تکنیک میشود.
 - $H2$: رویکرد مشتریگرایی در نهادهای آموزشی با ارزشزدایی از جامعه علمی، موجب دوپینگ م مشروع میشود.
 - $H3$: رویکرد مشتریگرایی در نهادهای آموزشی با شایع کردن بی بند و باری فکری، موجب استثمار علمی میشود.

- $H4$: رویکرد مشتریگرایی در نهادهای آموزشی با شایع کردن بی بند و باری فکری، موجب شکلگیری مافیای پژوهشی میشود.
- $H5$: رویکرد مشتریگرایی در نهادهای آموزشی با شایع کردن بی بند و باری فکری موجب، مداخلی دولت و صنعت میشود

روش تحقیق

- تحقیق حاضر از حیث هدف، یک تحقیق کاربردی و از حیث نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع تحقیقات توصیفی(غیرآزمایشی) ۰ و از شاخ مطالعات میدانی به شمار می‌آید و از حیث ارتباط بین متغیرهای تحقیق، از نوع علی است. روش انجام تحقیق به صورت پیمایشی بوده که از مهمترین مزایای آن، قابلیت تعمیم نتایج به دست آمده می‌باشد

پیمایش



جامعه و نمونه آماری:

- **جامعه آماری** تحقیق عبارتند از: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی (دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه تهران، علوم پزشکی تهران و علوم پزشکی ایران) وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، در سطوح تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد، دکتری حرفه‌ای و دکتری تخصصی) در نیمسال دوم ۱۳۸۶-۱۳۸۷البته اگر دانشگاه آزاد اسلامی هم جزء نمونه می‌بود بهتر می‌شد، ولی دانشگاه‌های دولتی هم در سالهای اخیر گرایش به شبانه (نویت دوم) و بورسیه از سازمانها داشته‌اند. ضمن اینکه پیشنهاد می‌شود تحقیق در دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور و غیر انتفاعیها و جامع علمی کاربردی که کل هزینه را دانشجو می‌پردازد، تکرار شود. حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری جامعه نامحدود با دقت ۰/۲۷۰ نفر برآورد شده است. نمونه‌گیری با روش تصادفی ساده انجام شده است

متغیرها:

- هر چه از سمت **چپ به راست** مدل مفهومی تحقیق حرکت میکنیم، از مراتب استقلال متغیر رها کاسته و بر وابستگی آنها افزوده میشود. بنابر این، **متغیر مشتری گرایی** به مثابه متغیر مستقل، ارزشزدایی از جامعه علمی و بی بند و باری فکری به مثابه متغیرهای نیمه مستقل و نیمه وابسته و متغیرهای حم الی تکنیک، دوپینگ مشروع، استثمار علمی، مافیای پژوهشی و مداخلی دولت و صنعت، به منزله متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده‌اند



گردآوری داده‌ها:

- گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه صورت گرفته است. ۴۰۰ پرسشنامه در طول ۲ هفته، از طریق مراجعه به دانشگاهها و حضور در کلاس‌های درس توزیع و جمع‌آوری شدند. به پاسخدهندگان اطمینان داده شد که اسم آنها و حتی دانشگاهشان، کاملاً محترمانه بوده و به هیچ طریق فاش نخواهد شد. از این‌رو، هیچ سؤالی برای اطلاعات شخصی افراد و دانشگاهها طراحی نشد. از ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شده، ۲۸۶ پرسشنامه دریافت شد که تعداد ۲۶۳ پرسشنامه، کاملاً تکمیل شده بودند و در تحلیل، مورد استفاده قرار گرفتند. بنابر این، نسبت بازگشت پرسشنامه‌ها، حدود ۷۱٪ بود و نسبت پرسشنامه‌های کاملاً تکمیل شده، حدود ۶۵٪ که به ویژه با توجه به موضوع پژوهش، نسبت رضایت‌بخشی است؛ چون نزدیک به ۷۵٪ است و این در صد در علوم انسانی رضایت‌بخش تلقی می‌شود

• **مقیاس اندازه گیری و پایایی و روایی:** پرسشنامه مورد استفاده دارای ۳۲ سؤال بوده و در همه گویهای آن از مقیاس پنج گزینهای طیف لیکرت به صورت زیر استفاده شد

کاملاً موافقم موافقم نظری ندارم مخالفم کاملاً مخالفم

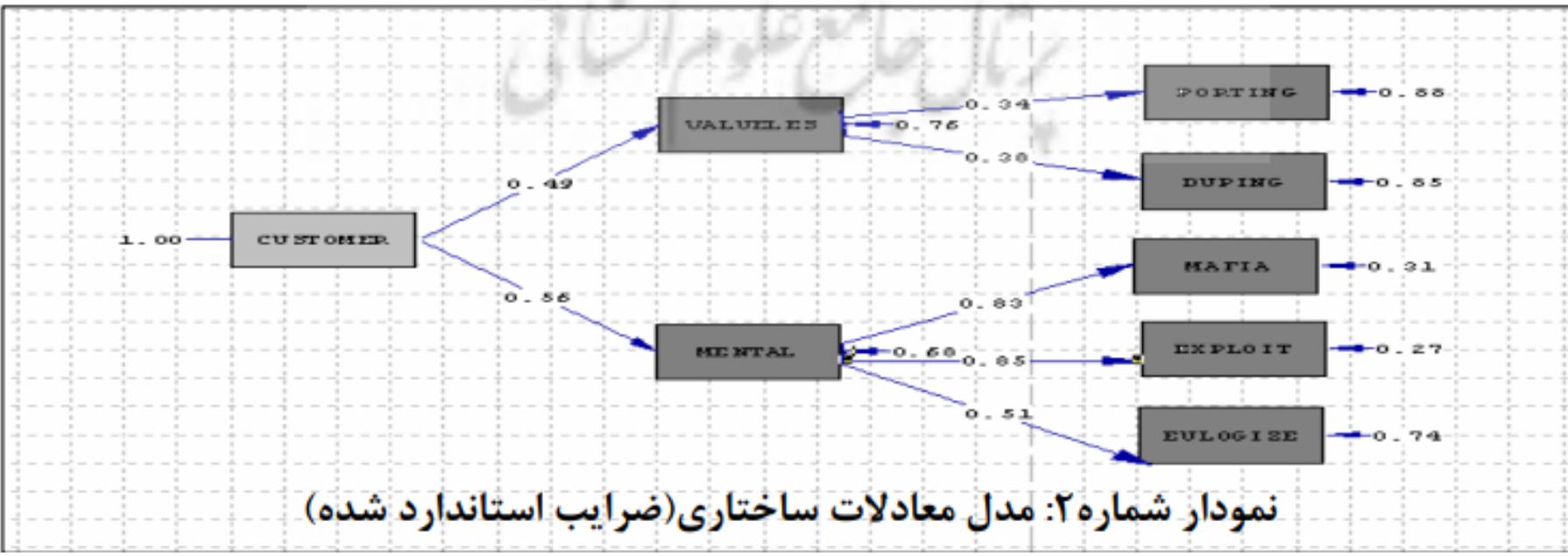
• پایایی پرسشنامه به وسیله آلفای کرونباخ محاسبه شد که اعتبار کل مقیاس، با ۳۲ سؤال، در حدود ۸۵/۸۴ بود. همچنین جهت آزمون روایی سؤالات، هم از اعتبار محتوا و هم از اعتبار عاملی استفاده شد. برای سنجش اعتبار محتوای پرسشنامه از نظرات متخصصان، اساتید دانشگاهی و کارشناسان خبره استفاده شده است. در این مرحله با انجام مصاحبه‌های مختلف و کسب نظرات افراد یاد شده، اصلاحات لازم به عمل آمد و بدین ترتیب اطمینان حاصل شد که پرسشنامه همان خصیصه مورد نظر محققان را می‌سنجد. آزمون اعتبار عاملی پرسشنامه نیز با کمک تحلیل عاملی تأییدی و با استفاده از نرم افزار لیزرل ۵۳/۸ انجام گرفت.

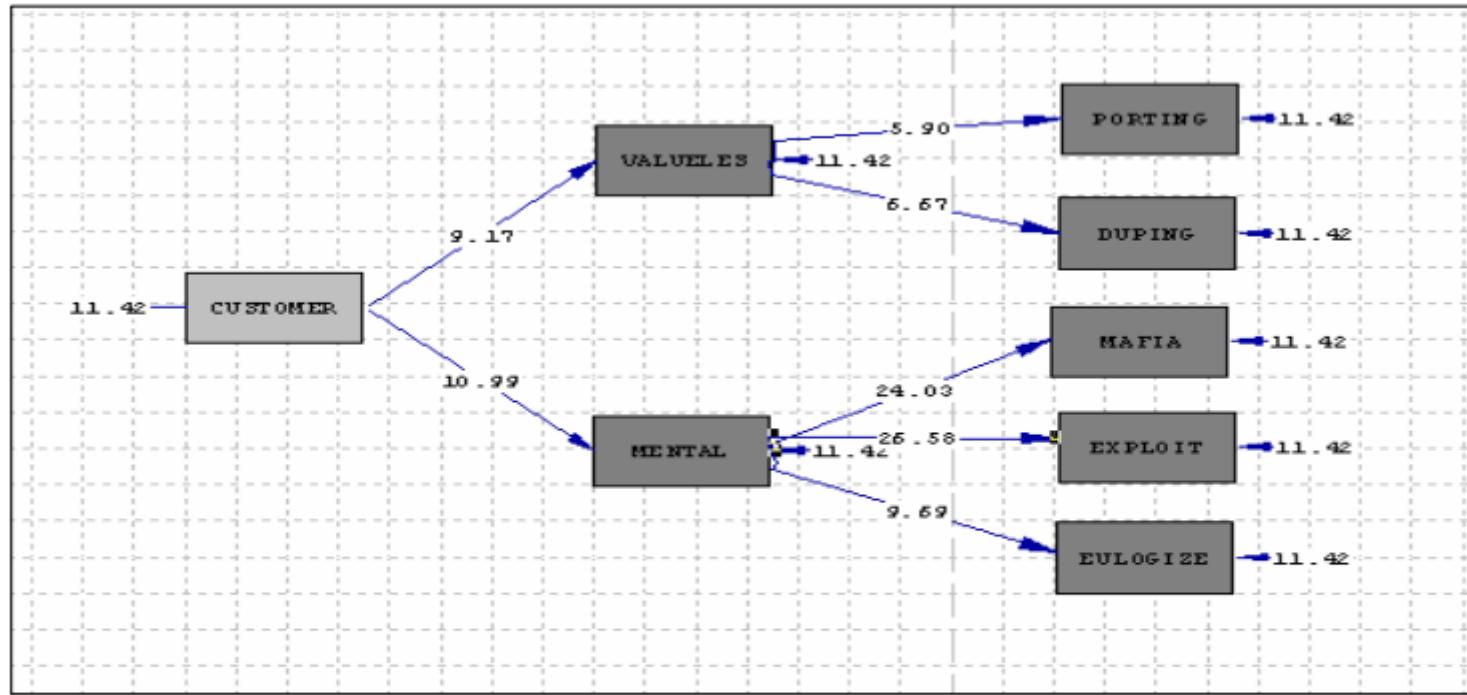
•

۰ آزمون آماری: برای آزمون فرضیه از همبستگی اسپیرمن) به دلیل رتبه‌ای بودن مقیاس متغیرها از روش همبستگی اسپیرمن برای آزمون فرضیات استفاده شده است. البته ضریب پیرسون هم برای مقایسه آمده است(. و مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS نسخه ۱۱ بهره گرفته شد و سطح خطای .۱ در نظر گرفته شد. رابطه علی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق، با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری، با کمک نرم افزار لیزرل ۸/۵۳ آزمون شد. مدلسازی معادلات ساختاری از طریق شاخصهای برازش مدل، اعتبار مدل مفهومی پیشنهاد شده را نیز نشان میدهد

یافته ها و تحلیل

- مشتریگرایی با ، CUSTOMER ارزش زدایی از جامعه علمی با ، VALUELES بی بند و باری فکری با ، MENTAL حمالی تکنیک با ، PORTING دوپینگ مشروع با ، DUPING مافیای پژوهشی با ، EXPLOIT MAFIA استثمار علمی با و مداخلی دولت و صنعت با EULOGIZE نشان داده شده‌اند. ضرایب استاندارد و معنیداری نشان میدهد که همه فرضیات تأیید می‌شوند





نمودار شماره ۳: مدل معادلات ساختاری (معنی داری)

• همانطور که در نمودار شماره ۳شان داده شده است، بر مبنای معادلات ساختاری، همه مقادیر t-value بالای ۱/۹۶ بوده و همه فرضیهها تأیید میشوند. ضریب همبستگی پرسون بین دو متغیر مشتریگرایی و ارزشزدایی از جامعه علمی، ۰/۴۹۴ ضریب همبستگی اسپیرمن آن دو متغیر، ۰/۳۳۶ است. ضرایب همبستگی پرسون و اسپیرمن دو متغیر مشتریگرایی و بی بند و باری فکری نیز به ترتیب عبارتند از: ۰/۵۶۳ و ۰/۵۱۳ همچنین ضرایب همبستگی پرسون و اسپیرمن دو متغیر ارزشزدایی از جامعه علمی و حمالی تکنیک، به ترتیب: ۰/۳۴۳ و ۰/۴۰۲ بوده و ضرایب پرسون و اسپیرمن دو متغیر ارزشزدایی از جامعه علمی و دوپینگ مشروع نیز عبارتند از: ۰/۳۸۱ و ۰/۳۹۳ به همین ترتیب، ضرایب همبستگی پرسون و اسپیرمن میان دو متغیر بی بند و باری فکری و استثمار علمی به ترتیب: ۰/۸۵۴ و ۰/۸۵۲ میان دو متغیر بی بند و باری فکری و مافیای پژوهشی در حدود ، ۰/۸۳۰ و بین بی بند و باری فکری و مداخلی دولت و صنعت به ترتیب: ۰/۵۱۴ و ۰/۴۱۵ محاسبه شد

• علاوه بر این، بین متغیرهای همردیف نیز نوعی همبستگی معنیدار و مثبت مشاهده شد. ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن بین دو متغیر ارزش زدایی از جامعه علمی و بسیار بند و باری فکری به ترتیب: ۰/۵۰۲ و ۰/۴۹۹، بین متغیرهای بیگاری تکنیک و دوپینگ مشروع به ترتیب: ۰/۴۴۶ و ۰/۵۶۹، بین متغیرهای بیگاری تکنیک و استثمار علمی به ترتیب: ۰/۶۴۱ و ۰/۵۲۵، بین

• متغیرهای بیگاری تکنیک و مafیای پژوهشی به ترتیب: ۰/۵۵۲ و ، ۰/۵۴۰ بین متغیرهای بیگاری تکنیک و مداھی دولت و صنعت به ترتیب: ۰/۴۵۹ و ، ۰/۵۳۱ بین متغیرهای دوپینگ مشروع و استثمار علمی به ترتیب: ۰/۴۷۹ و ، ۰/۵۰۳ بین متغیرهای دوپینگ مشروع و مafیای پژوهشی به ترتیب: ۰/۶۶۳ و ، ۰/۶۳۷ بین متغیرهای دوپینگ مشروع و مداھی دولت و صنعت به ترتیب: ۰/۸۸۴ و ، ۰/۷۲۷ بین متغیرهای استثمار علمی و مafیای پژوهشی به ترتیب: ۰/۸۷۰ و ، ۰/۶۶۱ بین متغیرهای استثمار علمی و مداھی دولت و صنعت به ترتیب: ۰/۳۹۱ و ۰/۳۷۵ و بین متغیرهای مafیای پژوهشی و مداھی دولت و صنعت نیز به ترتیب: ۰/۵۲۳ و . ۰/۴۳۳ بوده است



بحث و نتیجه گیری

- دانشجویان وضعیت فعلی دانشگاهها را مشتریگرا میدانند) میانگین $\frac{1}{4}$ و مقدار t بالاتر از ۲) با وجود اینکه مشتری گرایی فرصتها و مزیتهای متعددی را برای نهادهای آموزشی در بر دارد، ولی لبّه تاریک آن نیز هزینه های اجتماعی زیادی را موجب میشود. تأیید فرضیه های پژوهش حاضر نیز گواهی میدهد که مشتریمداری، ناقوس مرگ بسیاری از کار کردهای مفید و بنیادین نهادهای آموزشی را به صدا در میآورد. همان طور که در نمودار شماره ۲ و ۳ ملاحظه میشود، بین مشتریگرایی و ارزشزدایی رابطه علی وجود دارد) ضریب استاندارد: $0/49$ و مقدار t برابر $9/17$ یعنی مشتریگرایی، ارزشهای اصیل نهادهای آموزشی را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین رابطه علی آن با بی بند و باری فکری مورد تأیید است) ضریب استاندارد: $0/49$ و مقدار t برابر با $9/17$ یعنی مشتریگرایی، اصولی اندیشیدن و پایندی به اصول را سستتر میکند و طرز تفکر اقتضایی را مقبول‌تر جلوه میدهد

• همانطور که در نمودار شماره ۲ و ۳ ملاحظه میشود، فرضیات پنجگانه تحقیق که اثرات علی رویکرد مشتریگرایی در نهادهای آموزشی میباشد و با ارزشزدایی از جامعه علمی، موجب حمایت تکنیک و دوپینگ مشروع و همچنین با شایع کردن بی بند و باری فکری، موجب استثمار علمی، شکلگیری مafیای پژوهشی و مدارحی دولت و صنعت میشود، تأیید میگردد؛ چرا که مقادیر \hat{A} به دست آمده بالاتر از \hat{B} بوده و اثرات علی معنیدار است.

• این وضعیت، به نوعی عدم تعادل نهادی منجر میشود. تصور عده کثیری بر این است که دستی نامریی در بلندمدت این عدم تعادل بین نهادی را متعادل میسازد) ر.ک.به: قلیپور، (۱۳۸۲؛ یعنی در بلندمدت، نهاد آموزش و نهاد بازار به تعادل میرسند



• و مبادله ارزشها در شکل مبادله متقابل متجلی میگردد و در عین حال که نهاد بازار ارزشها خود را در نهادهای آموزشی رواج میدهد، نهادهای آموزشی نیز نهاد بازار را به سودمندی ارزشها خود معتقد میسازند؛ ولی متأسفانه یافته های تحقیق چنین تصوری را تأیید نمیکنند و بر عکس، از احتمال قریب الوقوع آخرین اهداف نهادی بازار در جهت سلطه بر نهادهای آموزشی حکایت دارند

• البته، مسلماً دانشگاهها و مدارس، به منزله سیستم‌هایی خود تنظیم و خود ترمیم، می‌توانند راهکارهای بروز نرفت از این وضعیت را در خود جستجو کنند. اعمال، ساختارها و فرآگردهای نهادینه شده در دانشگاهها و مدارس، نیازمند نهادزدایی بوده، نقش مدیران ارشد در این زمینه بسیار حساس و مهم است؛ یعنی نهادینه کردن رفتارهای مطلوب و در مقابل آن نهادزدایی از رفتارهای نامطلوب، از جمله وظایف اصلی این مدیران است

•

نهادینه کردن رفتارهای
مطلوب

• مسلماً انتقاد پژوهشگران متوجه همهٔ متخصصان و صاحبان اندیشه و تمام استادان دانشگاه نیست. شک نیست که علیرغم این جریان نامطلوب در علوم انسانی، استادان وارسته در کمال پرهیزکاری و به دور از جلوه‌های رفتاری دانشمندان فرعون منش، هامان مسلک، و قارون مآب) ر. ک. به: پورعزت، (۱۳۸۶) به اصالت این کسوت مقدس پاییند بوده، در صدد شناسایی و تشخیص عمق این مسئله، و راه حل جویی برای حل آنند.

جریان نامطلوب در علوم انسانی

• در پایان، باید متذکر شد که نمیتوان و نباید چون کبک از ترس شکار شدن، سر به زیر برف بردا! این پژوهش **نتایجی بسیار تلخ**، ولی مهم در برداشت که اهمیت مسئله، تلخی آن را اجتناب ناپذیر میسازد. باید توجه داشت که با پاکسازی صورت مسئله، مسئله رفع نمیشود و این گونه مسائل حل ناشده، آینده جامعه علمی و بلکه در امتداد روشنی‌بینی رهبر فقید انقلاب، آینده جامعه بشری را تهدید میکند. بنابر این، توصیه میشود که پژوهش‌های دیگری به دنبال این پژوهش، برنامه‌ریزی و اجرا شوند

• پیشنهاد میشود که در منشور اخلاقی دانشگاهها این موارد گنجانده شود و اساتید نتوانند آزادی خود را بیش از اندازه استثمار کنند. همچنین در هیئت ممیزه دانشگاهها به این موارد توجه شود و رشد مستمر استاد در نظر گرفته شود نه رشد مبتنی بر پست؛ چرا که در حال حاضر هر کسی رئیس دانشکده یا معاون میشود، به جای اینکه تعداد مقالاتش به دلیل اشتغال در امور اجرایی کاهش یابد، به طور فزاینده افزایش مییابد.

•

رشد مستمر استاد در نظر گرفته
شود نه رشد مبتنی بر پست

• بهتر است که این تحقیق در دانشگاه آزاد اسلامی نیز انجام شود. همچنین بسیار جالب خواهد بود که جامعه آماری تحقیق، ترکیبی از استادان و دانشجویان در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری باشند و با استفاده از **مدلهای علی** چند متغیره تحلیل شوند. ضمن اینکه پیشنهاد میشود تحقیق دیگری، این آفتها را در پنج گروه علوم پایه، انسانی، فنی - مهندسی، پزشکی و هنر بررسی و مقایسه کند

ترکیبی از استادان و دانشجویان در سه
مقطع کارشناسی، کارشناسی
ارشد و دکتری باشند

- نکته در خور تأمل آنکه، ممکن است این آفتها از طریق فارغ التحصیلان دانشگاهها به آموزش و پژوهش نیز رسوخ کرده باشند. بنابر این، بهتر است طی پژوهشی مستقل این مدل در مدارس دولتی و غیر انتفاعی و مدارس دخترانه و پسرانه، به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد